

# علیه سرمایه

تریبون کارگران ضد سرمایه داری  
شماره چهل و هفتم / آذر هزار و چهارصد

۱ کارگران! به حمایت از همزنجیران معلم خود برخیزیم!

۲ کووید ۱۹، سرمایه و مباران شعور بشر

۳ رژیم اسلامی و بودجه سال ۱۴۰۱

۴ اعتراضات خود را ضد سرمایه داری کنیم

۵ تشکیل نرخ عمومی سود (نرخ متوسط سود)

تبدیل ارزش کالاها به قیمت های تولید

۶ نقش "رهبری" در مبارزات ما

کارگران ضد سرمایه داری / آذر ۱۴۰۰

دیروز دهها هزار کارگر بخش آموزش در جهنم سرمایه داری ایران در اعتراض به گرسنگی، وخامت انفجار آمیز وضع معاش، خفقان و وحشت مستولی در محیطهای آموزشی، دستگیری، شکنجه و زندان همزمان، محتوای ماقبل قرون وسطائی متون درسی، آلودگی انحطاط آمیز آموزش با خرافه های اسلامی، شیوه های تدریس ارتجاعی حفاری شده از گورستان های تاریخ، دست به اعتصاب زده و از رفتن در سر کلاسهای درس خود داری کردند. کارگران در بیش از ۲۰۰ شهر با اعلام اعتصاب خواستار تحقق فوری و کامل خواسته های خود گردیدند. در برخی شهرها، از جمله سقز کلیه مدارس ابتدائی، متوسطه و هنرستان ها به به حالت تعطیل کامل در آمدند، هر شکل آموزش، حضوری یا راه دور متوقف شد و معلمان خواستار همراهی، همسنگری تمامی دانش آموزان و والدین شدند.

کارگران بخش آموزش مثل کل طبقه کارگر ایران سالیان متمادی است برای تحقق این خواستها مبارزه می کنند، اما مثل کل همزنجیران، به هیچ یک از مطالبات خویش و به هیچ سطحی

از خواسته های تاریخی نکول شده خود دست نیافته اند. الان نیز هیچ بارقه امید به پیروزی بر جبین کشتی اعتراض آنان ساطع نیست، باید به واکاوی ریشه های واقعی این شکست های عظیم بنشینیم. ریشه شکست های زنجیروار معلمان، ریشه کل شکست های سلسله وار تاریخی طبقه کارگر در یک چیز است. آنها علیه سرمایه داری مبارزه نمی کنند، خواستار بهبود معاش، حقوق مدنی، آزادیهای سیاسی، رفاه، امنیت، عزت و حرمت انسانی در قعر جهنم سرمایه داری و در زیر سیطره قدرت و حاکمیت سرمایه اند!! دهها میلیون نفوس طبقه کارگر از جمله چندین میلیون معلم شالوده زندگی، خواست و اعتراض خود را بر این گذاشته اند که قرار است همیشه کارگر باشند!! نسل بعد از نسل به صورت برده مزدی زندگی کنند، برای سرمایه داران و دولت سرمایه کار کنند، اضافه ارزش تولید نمایند، کوه عظیم سرمایه طبقه سرمایه دار را تا کهکشانی ها رفعت بخشند، پایه های قدرت و حاکمیت سرمایه را مستحکم تر سازند. از همین سرمایه داران و دولت سرمایه خواستار معیشت بهتر،

تاریک تر و دهشتناک تر شود. آنچه برای سرمایه هیچ ترین شیئی است انسان و آنچه همه چیز است سود و خودافزائی خویش است. سرمایه مشتى پول، کارخانه، بانک، مزرعه نیست، یک رابطه اجتماعى است، قانون، حقوق، مدنیت، دولت، ارتش، مذهب، آموزش، ارزش های اجتماعى و همه چیز جامعه جهنمى حاضر است. برای هر میزان معیشت بهتر، هوای سالم تر، آب بهداشتى تر، آموزش، درمان، امکانات زندگى مطمئن تر، رفاه، آزادى، حقوق انسانى، رفع تبعیضات ظالمانه جنسى، کودک آزارى، آلودگیهای زیست محیطى، برای هر مقدار کاهش فقر، گرسنگى، خفقان، ستم، بردسالارى، برای همه چیز و همه چیز، باید علیه اساس هستى سرمایه داری جنگید، جنگ علیه سرمایه مشتى شعار نیست، سخن پراکنى ایدئولوژیک نیست، حرافى های حزبى نیست، نظربافى نیست؛ خیالپردازى و رویاها تراشى نیست، زنده باد، مرده باد، سرنگون باد و برقرار باد نیست. هیچ کدام اینها نیست، ضد همه اینها است. مبارزه ضد سرمایه داری زمینی ترین، ملموس ترین، مادى ترین و در دسترس ترین عمل اجتماعى در سنگلاخ همه جا گسترده جامعه موجود است. جنگ ضد سرمایه داری، اعمال قدرت متحد، سازمان یافته، شورائى، تعطیل ناپذیر، لحظه به لحظه ما توده های کارگر از طریق تعطیل هر چه سراسرى تر چرخه ارزش افزائى کل سرمایه ها، کل نظم سیاسى، حقوقى، مدنى، آموزشى، فرهنگى، پلیسى، امنیتى سرمایه، با هدف مجبور ساختن کل طبقه سرمایه دار و

حقوق اجتماعى، آزادى و رفاه شوند!!، در مطبخ ارباب استخوانى برای لیسیدن تکدى کنند و اربابان سرمایه دار هم به نوازش آنها پردازند!! از طبقه سرمایه دار و دولتش بخواهند تا به آنها حق اعتصاب تفویض نمایند!!، به گاه اعتراض از دستگیرى، شکنجه و مجازاتشان چشم پوشد!!، قانون، حقوق، مدنیت و ساختار نظم جامعه را با چشمداشت های آنان منطبق گرداند!! کارگران و از میان آنها معلمان، بنیاد کار، مبارزه و دورنمای زندگى خود را بر این توهمات پوشالى استوار ساخته اند. جماعتى نیز به این خیال واهى تر آویخته اند که روزى با ظهور عصر طلائى اعتلا، پشت سر این یا آن حزب راست یا چپ به صف شوند!! رژیمى را ساقط و رژیم دیگر را بر سر کار آرند و همه چیز را بر وفق مراد سازند!! ریشه همه شکست های ممتد، فرساینده و فاحش تاریخی در همین جا قرار دارد. سرمایه داری قرار نیست پاسخگوی نیازهای ما باشد. سرمایه کار پرداخت نشده کارگر است، نطفه سرمایه در جدا کردن انسانها از کار خود و ساقط نمودن تام و تمام آنها از هر گونه دخالت در تعیین سرنوشت کار، تولید و زندگى خویش منعقد شده است. مانیفست سرمایه این است که انسانها برده مزدى باشند، از روزانه طولانى کارشان چند دقیقه صرف تولید معاش و بازتولید نیروى کار و کل مابقی سود و سرمایه افزون تر سرمایه دار گردد. سرمایه ها کوه آسا شوند و سودهای کهکشانى بخواهند، فشار استثمار کارگران خرد کننده تر و زندگى آنها

ماشین نظم و قدرت سرمایه به عظیم ترین عقب نشینی های ممکن، در مقابل کل انتظارات طبقاتی، اجتماعی و تاریخی خویش است. طول و عرض و ارتفاع خواسته ها، انتظارات، اهداف این جنگ، تغییر ریشه ای عینیت موجود، محو فرجامین کار مزدی، نابودی سرمایه داری، تسلط کامل شورائی و سراسری انسانها بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود است. نکته حیاتی، اساسی و سرنوشت ساز این است که هر نفس کشیدن، اعتراض، اعتصاب، شورش، قیام، رژیم ستیزی، سرنگونی طلبی ما باید حلقه ای از زنجیره سراسری این جنگ غیرقابل تعطیل و نقطه ای از منحنی فراز و فرودهای بدون قابل توقف آن باشد. هر لحظه و هر نقطه این جنگ باید شاهد ظهور سطح بالاتر و بالیده تری از قدرت سازمان یافته شورائی ضد سرمایه داری ما، مبین اعمال این قدرت علیه سرمایه، به عقب راندن طبقه سرمایه دار و دولتش از سنگرهای قدرت، حاکمیت و مقاومت، خارج سازی بخش هر چه عظیم تر حاصل کارماز چنگال قهر سرمایه داری، دستیابی ما به سطوح عالی تر معاش، رفاه، بهداشت، درمان، بلوغ آگاهی، آزادیها و حقوق واقعی انسانی باشد. هر لحظه این جنگ باید گزارش تاختن در این گذر گردد. طبقه ما قرنها است که با سرمایه در جدال و پیکار است، فاجعه سیاه تاریخی آنست که این جنگ تا امروز بر این ریل نچرخیده و در این راستا پیش نرفته است. به همه گمراهه ها

آویخته است، در فرمیسم اتحادیه ای، سوسیال دموکراتیک، تسویه حساب های مسالمت آمیز یا سرنگونی طلبانه بخشهای مختلف بورژوازی، امپریالیسم ستیزی خلقی و ناسیونالیستی، «ضد نئولیبرالیسم»!!، دموکراسی طلبی و نوع اینها کفن و دفن شده است. حاصل این گمراهه رفتن ها وضعی است که الان داریم، باید بر این وضعیت نقطه پایان بگذاریم. به عنوان معلم، با بیرق افتخار بخشی از طبقه کارگر همین لحظه حاضر خواستار همپیوندی کل کارگران به مبارزات حاضر خود شویم. برای اولین بار در تاریخ این جهنم اعلام داریم که کارگران منفرد نیستیم، طبقه کارگریم، ریشه کل سیه روزیهای ما در وجود سرمایه است، علیه موجودیت سرمایه ایم، در حال نبرد برای ارتقاء به یک قدرت متحد سازمانیافته، شورائی ضد سرمایه داری هستیم، می خواهیم این قدرت را علیه سرمایه اعمال کنیم، با اعمال آن، سرمایه داری را مجبور به بیشترین عقب نشینی ها در مقابل انتظارات خود سازیم، پیش تاریخ، متحد تر سازمان یافته تر و نیرومند شویم، یک قدرت مسلط شورائی ضد کار مزدی گردیم، سرمایه داری را ساقط کنیم و جامعه ای انسانی، عاری از استثمار، طبقات و دولت مستقر گردانیم. تنها از این طریق می توانیم به خواست های خود جامعه عمل پوشانیم. در غیر این صورت فقط شکست تازه ای را بر شکستهای پیشین اضافه می کنیم.



کارگران ضد سرمایه داری / آذر ۱۴۰۰

آورده است، انجام داده و هر روز انجام می دهند. به داده ها نظر اندازیم. از ۲۵ ژانویه ۲۰۲۰ و ثبت اولین مورد ابتلاء به ویروس تا ۳۱ دسامبر همان سال مجموعاً ۸۳۹۵۳۴۴۸ نفر در سراسر جهان به ویروس مبتلا شدند بخشی جان باختند و تعدادی جان به در بردند. در ۱۵ دسامبر ۲۰۲۱ این رقم به ۲۷۲۴۵۹۳۸۳ نفر رسید. اگر این دو را از هم کم کنیم رقم ۱۸۸۵۰۵۹۳۵ به دست می آید که مبین شمار مبتلایان اعم از جان باختگان و نجات یافتگان در سال ۲۰۲۱ است. به بیان شفاف تر تعداد مبتلایان در سال ۲۰۲۱ حدود ۱۰۵۳۵۲۴۸۷ نفر از سال پیش افزون تر بوده است. (رشد ۲۳۰٪). نگاهی به جان باختگان این پاندمی در این دو سال نیز گواه همین فاجعه، همین جنایت سرمایه علیه بشریت و همان شستشوی مغزی سرشتی سرمایه علیه انسان است.

در دو سال از آغاز شیوع کووید ۱۹ می گذرد. در لحظه، لحظه این دو سال کل دولت ها، سازمان جهانی بهداشت، هزاران انستیتو و مرکز پژوهش جهان سرمایه داری، از تلاش های شبانه روزی و پیشرفت های عظیم خود در پهنه چالش این بیماری می گویند. تراست های غول پیکر دارویی با تولید و عرضه واکسن ها و افراختن بیرق پیشگامی در این پیشرفتهای کهکشانی ترین سودها را تصاحب نموده و دنیا را در گرد و خاک قدرت اعجاز کشفیات خود غرق کرده اند. حرف همه اینها و کل رسانه ها و تریبون های سرمایه آنست که گویا کووید ۱۹ اگر چه وجود دارد اما در حیطه کنترل قرار گرفته است، مرگ و میرها کاهش یافته و شمار مبتلایان به طور نسبی کمتر گردیده است!!! تحریف، جعل و باژگونه سازی سرشت سرمایه داری است و نهادهای نظم سرمایه آن می کنند که از ذات سرمایه بر می خیزد. عین همین نقش را در رابطه با کووید ۱۹ و آنچه بر سر بشر



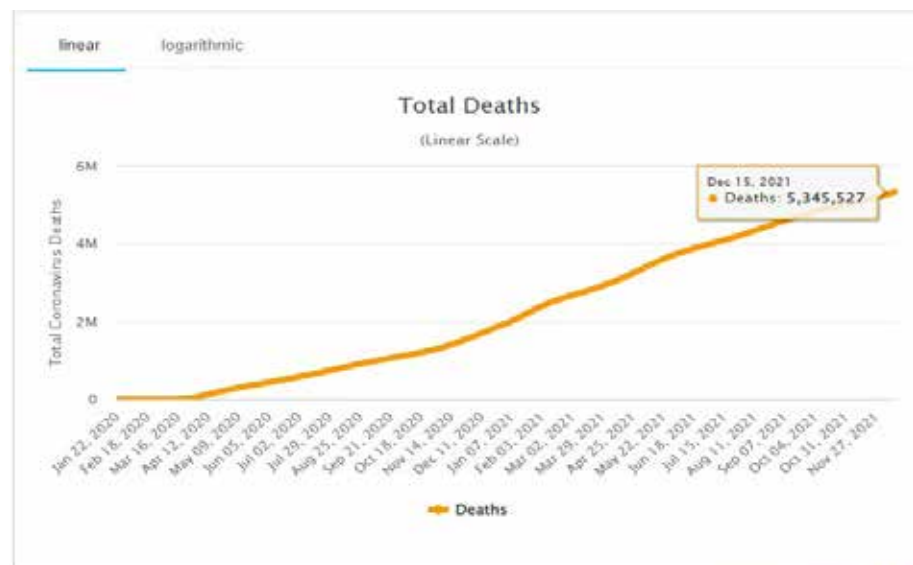
Source: Worldometer - [www.worldometers.info](http://www.worldometers.info)

درصدی مواجه هستیم. اضافه کنیم که متوسط شمار مردگان کرونا در ایالات متحده از ۱۵ فوریه ۲۰۲۰ تا آخر همان سال، هر روز ۱۱۶۰ نفر بوده است. این رقم در سال ۲۰۲۱ به ۱۲۹۶ نفر رسیده است. فراموش نکنیم که جمعیت وسیعی از نجات یافتگان انسانی هستند که به گونه دردناکی عوارض ناشی از ابتلا به بیماری را با خود حمل می کنند. اگر چه به هر حال زنده اند اما در عداد معلولان مادام العمر می باشند.

در سال ۲۰۲۰ تعداد کشتگان ثبت شده کرونا ۱۹۴۱۰۱۲ بوده است. این رقم در ۱۵ دسامبر ۲۰۲۱ به ۵۳۴۵۵۲۷ رسید. اگر اولی را از دومی کسر کنیم به کشته شدگان سال ۲۰۲۱ می رسیم که ۳۴۰۴۵۱۵ نفر است. اگر روزانه حساب کنیم در سال ۲۰۲۰ هر روز ۵۴۳۷ نفر و در سال ۲۰۲۱ هر روز ۹۷۲۷ انسان در شبیخون کرونای سرمایه داری تسلیم مرگ شده اند. در اینجا نیز با یک افزایش ۱۷۹



Source: Worldometer - [www.worldometers.info](http://www.worldometers.info)



Source: Worldometer - [www.worldometers.info](http://www.worldometers.info)

بر اساس اعلام مراکز بهداشت و درمان دنیای سرمایه داری در فاصله میان ۱۵ دسامبر ۲۰۲۰ تا ۱۵ دسامبر ۲۰۲۱ حدود ۸ میلیارد و ۵۵۰ میلیون دوز واکسن تزریق شده است. ۵۶٪ سکنه جهان حداقل یک دوز دریافت کرده اند. روزانه ۳۷ میلیون واکسن تزریق می شود. در آمریکا ۶۰ درصد جمعیت دو دوز واکسن گرفته اند و شمار دریافت کنندگان یک دوز تا ۱۵ دسامبر ۲۰۲۱ به ۷۲ درصد جمعیت رسیده است. ۱۶ درصد جمعیت نیز دوز سوم را تزریق نموده اند. همه این ارقام و آمارها، از شمار مبتلایان دو سال تا کشته شدگان، تا کل ظرفیت چالش و کارنامه پیشگیری و درمان انجام گرفته!! را کنار هم قرار دهیم و از دولت ها، سازمان جهانی بهداشت، انستیتوها و مراکز علمی نظام گند و وحشت سرمایه داری سؤال کنیم که چرا چنین است؟؟؟ چرا با جان انسانها چنین می گردد؟؟! سرمایه پاسخ راستین این سؤال را آماج وحشیانه ترین بمباران های شستشوی مغزی و مهندسی افکار

قرار می دهد. این پاسخ را کارگران خوب می دانند. کل دستاوردهای دانش بشری یکجا صرف سودافزائی و خودگستری کهکشانی سرمایه شده است. آنچه در این میان هیچ محلی از اعراب نداشته است سلامتی جسم و جان آنان بوده است.

تنها راه مقابله با گسترش اپیدمی کووید-۱۹ تعطیل تمامی مراکز کار و تولید سوای مراکز درمانی، تولید مواد غذایی و بهداشتی و فروشگاههای این مواد است. باید همه انسان ها تا امحاء کامل کووید ۱۹، ضمن برخورداری کامل از همه مایحتاج معیشتی، رفاهی، درمانی از کار معاف شوند. رایگان سازی تام و تمام درمان، افزایش چندین برابری امکانات مداوا و پیشگیری، مراقبت های بیمارستانی، تعداد بیمارستانها، شمار تخت ها، تعداد پرستاران و پزشکان است باید همه جا خواست عاجل روز و دستور فوری پیکار شود.



برای فهم بودجه دولت در جامعه سرمایه داری، قبل از هر چیز باید تعریف تیتروگونه ای از جنس و ماهیت دولت داشت. دولت در این نظام فقط مشتی وزارتخانه، استانداری، فرمانداری، نهادهای متنوع اداری نیست. طول و عرض آن در وجود ارتش، سپاه، پلیس، بسیج، سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی، کل قوای سرکوب فیزیکی، دستگاههای اختاپوسی شستشوی مغزی و مهندسی افکار، «پارلمان»، سیستم قضائی و حقوقی، شورای نگهبان، مجلس خبرگان، بنگاه تشخیص مصلحت و صدها نهاد این چنینی هم خلاصه نمی گردد. کل اینها اجزاء دولت هستند، اما دولت سرمایه بسیارعظیم تر و فراتر از همه اینهاست. دولت، خود سرمایه است. سرمایه تخصص یافته در شکل ساختار نظم، برنامه ریزی، نهادهای اندیشه، سیاست، حقوق، مدنیت، اخلاق، ارزش های اجتماعی، فرهنگ، آموزش، پرورش، ایدئولوژی، مذهب، قانون، آئین، سنت، قوای قهر اقتصادی، نیروی سرکوب فیزیکی، فکری، کل آنچه که نیاز جبری وجود یا بقای رابطه تولید اضافه ارزش و تحمیل قهرآمیز این رابطه اجتماعی بر توده های کارگر است. دولت نماد متعین شعور و تشخیص چرخه ارزش افزائی، گردش، سامان پذیری،

سودآوری حداکثر، صرفه جوئی حتی المقدور، کهکشانی ساختن هرچه غول آسوتر کار اضافی طبقه کارگر (سرمایه ها و سودهای سرمایه داران) و لاجرم فرسایش و کاهش تا سرحد ممکن کار لازم کارگران (معاش، درمان و مایحتاج زندگی) آنان است.

معنای زمینی دولت سرمایه، کم یا بیش چنین است و ترجمان واقعی بودجه نویسی یا نقش دیوان محاسباتش را باید در پرتو این تعریف تعمق کرد. نقطه آغاز تا پایان چیزی به نام بودجه، چاره اندیشی ها، برنامه ریزی ها، سیاستگذاری ها و تنظیم دخل و خرج و سود «سرمایه اجتماعی» (کل سرمایه ها) از طریق تشدید هرچه طوفانی تر فشار استثمار، فقر، گرسنگی، بی خانمانی، گورخوابی، فرسایش جسمی، استهلاک فکری، وخامت شرائط کار و زندگی توده های کارگر است. بودجه قرار نیست نقشی سوای این بازی کند، هر عبارت و هر سطرش عهده دار انجام گوشه ای از این رسالت است. به متن منتشره رژیم که از سوی «رئیسی» یکی از بزرگ کشتارگران تاریخ توحش سرمایه داری به مجلس همین رژیم تسلیم شده است نگاه کنیم. در شرائطی که میانگین مزد ساعتی یک کارگر کلا

اعم از ساده یا دارای بالاترین تخصص و مهارت در پهندهشت این جهنم گند و خون و دهشت، از ۱۲۰۰۰ تومان تجاوز نمی کند، هزینه دستمزد برای هر ساعت تولید برنامه های شستشوی مغزی کارگران توسط سازمان «صدا و سیمای جمهوری اسلامی» را **یک میلیارد تومان** و میزان کمک سالانه به این بنگاه فریب، خرافه آفرینی و وارونه پردازی را بالای ۵ تریلیون و ۳۰۰ میلیارد تومان تعیین کرده است!!! اما این فقط یک قلم ناپیدا از کل هزینه سرکوب، آن هم صرفا سرکوب فکری طبقه کارگر است. رقمی که دولت از محل تشدید وحشیانه استثمار کارگران به وحوش بانی، سیاستگذار، طراح و مجری تحمیق انسانها اختصاص داده است بیش از ۱۳ تریلیون تومان است. ۱۵ مؤسسه اختاپوسی آموزش اسلامی، از سنخ حوزه های علمیه!! جامعه المصطفی، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای عالی برنامه ریزی حوزه های زنانه و مردانه، بالغ بر ۸ تریلیون و ۵۱۳ میلیارد تومان از حاصل کار و استثمار توده کارگر دریافت می دارند تا از طریق هزینه کردن این ارقام هوش ربا به سلاخی شعور کارگران پردازند. فراموش نکنیم که زمین و زمان جهنم سرمایه داری در بند، بند خود، در کل آموزش، سیاست، فرهنگ، ادبیات، هنر، مطبوعات، تئوری بافی یا تولید افکار، ماشین مسخ سازی و تحمیق انسان است، آنچه این مؤسسات انجام می دهند مزید بر تولیدات روتین چرخه فکر آفرینی سرمایه و هزینه های آنها بار مضاعف تریلیون ها تومانی است که بر هزینه های دیگرش اضافه و بر زندگی توده

کارگر سرشکن می گردد. کل اینها اما فقط مخارج رسمی سرکوب فکری یا مهندسی شعور انسانها است، هزینه های قهر فیزیکی سرمایه از این هم افزون تر است. سپاه پاسداران ۹۳ تریلیون تومان، پلیس سرمایه ۴۴ تریلیون، ارتش ۹۶ تریلیون، وزارت خانه های دادگستری، قوه قضائیه، کشور، امور ایثارگران، ارشاد و سایر سازمان های نظم و قهر بالغ بر ۱۰۰ تریلیون، جمعا ۳۳۰ تریلیون تومان، در بودجه دولت سهم دارند تا چه کنند؟ تا وظیفه کشتار، نسل کشی و حمام خون اعتراضات طبقه کارگر را بر دوش کشند. کل این اقلام را باید چند ده میلیون کارگر، با کار خود، پرداخت نماید، آنان باید کل این ارزش اضافی ها را تولید و تسلیم سرمایه کنند تا در قبال آن هر صدای اعتراض و هر نفس کشیدن مخالفت آمیزشان توسط سرمایه داری سرکوب شود. نکته قابل تعمق آنکه نهادهای نظامی و انتظامی بالا از سپاه پاسداران گرفته تا ارتش و ناجا خود مالک عظیم ترین بخش سرمایه اجتماعی کشور هستند، حدود ۷۰ درصد کل صنایع، بانکها، غول های تجاری، تراست های بزرگ راه و ساختمان، معادن، «خدمات»!! متعلق به همین نهادها هستند. ۷۰ درصد کوه اضافه ارزش ها را می بلعند، با همه اینها نجومی ترین سهام از مابقی اضافه ارزش های تولید شده توسط توده کارگر را هم از طریق دولت و بودجه دولتی به خود اختصاص می دهند.

به بخش دیگر بودجه سالانه رژیم اسلامی نگاه کنیم، تخصیص ارز هر دلار ۴۲۰۰ تومان به هزینه تولید و واردات کالا قطع می گردد. معنای شفاف

و زمینی این حرف آنست که از این پس طبقه کارگر ایران باید قهرا کل مایحتاج معیشتی خود را به دلار امریکا و یورو اروپا و ین ژاپن پرداخت نماید. آنچه کارگران برای قوت لایموت و حداقل معاش خویش می پردازند، از دو حال خارج نیست، یا در داخل تولید می شود و یا از بازار جهانی سرمایه وارد می گردد. وقتی بناست که ریال، ریال هزینه تولید این محصولات، از اجزاء استوار و گردشی سرمایه ثابت گرفته تا مخارج حمل و نقل و همه چیز دیگر با دلار بالای ۳۰ هزار تومان تأمین شود، پیداست که بهای فروش آن نیز به همین دلار خواهد بود. تکلیف واردات کالا از این هم روشن تر است. در یک کلام دهها میلیون کارگر به حکم بودجه تنظیم شده توسط دولت باید سیر تا پیاز هزینه بازتولید نیروی کارشان را با دلار پرداخت نمایند و این در حالی است که مزد ماهانه آنان به طور متوسط زیر ۱۵۰ دلار امریکا است!!!

گرانی های انفجارآمیز ناشی از حذف دلار ۴۲۰۰ تومانی و تأثیر آن بر سیر تصاعدی غیرقابل مهار قیمت کالاها، به یقین کار پرداخت شده طبقه کارگر یا دستمزدهای محقر آنان را بمباران خواهد کرد و به گونه فاحشی محقرتر خواهد ساخت، اما این فقط گوشه ای از شبیخونها است. دیوان محاسبات سرمایه بر اساس بند دیگری از همین بودجه تصمیم گرفته است که درآمد مالیاتی دولت در ۱۴۰۱ تا رقم ۳۲۵ تریلیون تومان و در سال ۱۴۰۲ تا ۵۲۶ تریلیون تومان افزایش یابد. در هیچ کجای این بودجه هیچ نشانه ای از وصول هیچ سنار مالیات، از هیچ غول عظیم صنعتی،

هیچ هلدینگ عظیم مالی یا تولیدی، هیچ بنگاه مالی تحت فرمان خامنه ای، هیچ تراست متعلق به سپاه پاسداران، بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید، مؤسسات صنعتی و مالی ناجا یا بنگاهها، کمپانی ها، مقاطعه کاری ها، پتروشیمی ها و شبکه های اقتصادی زنجیروار قرارگاه خاتم، محمد رسول الله و آستان قدس رضوی دیده نمی شود. کل مالیات ۳۲۵ تریلیونی و ۵۶۰ تریلیونی سالهای جاری و آتی را باید کارگران از کار پرداخت شده خویش، از دستمزدهای سنار و سی شاهی خویش بپردازند. همه اینها شاید نوک کوه یخ باشد، برای رؤیت جثه سترگ کوه باید کل بدهی دولت را کاوید. رژیم این رقم را ۱۰۰۰ تریلیون تومان اعلام کرده است. رقمی که دولت به طبقه سرمایه دار پرداخته است تا از قوت لایموت نسل حاضر و نسلهای آتی طبقه کارگر کسر کند. طوفان سهمگین تر گرانی ها در راه است کارگران باید همه چیز را به قیمت های نجومی تر خریداری کنند، آب راه، برق راه، گاز را گران تر بخرند، اجاره بهای مسکن را چندبرابر پرداخت کنند، پیام بسیار موجز اما به شدت کوبنده و رعب انگیز بودجه ۱۴۰۱ رژیم اسلامی برای کارگران این است. توده کارگر چه خواهند کرد؟ بر جبین کشتی روز جنبش کارگری هیچ نور امیددی ساطع نیست، اما این جنبش در همین تاریکی زار بردار دنیای رخدادهاست. چه خواهد کرد نمی دانیم اما اگر بناست کامی در راستای چالش این وضعیت جهنمی بردارد باید سراسری، شورائی و ضد سرمایه داری متحد گردد.

## اعتراضات خود را ضد سرمایه داری کنیم

کارگران ضد سرمایه داری / آذر ۱۴۰۰

مراکز و محل کار درآوریم و بطور واقعی و عملی از یکدیگر حمایت نمائیم.

۲- اگر هر مؤسسه تولیدی و تجاری به هر بهانه در آستانه تعطیل قرار دارد، باید بی درنگ راه تصرف و اداره شورایی آن را پیش گیریم.

تعطیلی کارخانه ایرانخودرو تبریز و خطر گسترش این شکل از یورش وحشیانه طبقه سرمایه دار و حکومت اسلامی سرمایه، بار دیگر رجوع به راهکار تصرف مراکز کار را صد چندان می سازد. هیچ بعید نیست در مقابل یورش و هجوم طبقه سرمایه دار و تعطیلی دیگر مؤسسات، کارگران این مراکز به فکر تصرف محل کار برآیند و مانند کارگران هفت تپه اداره شورایی کارخانه را راهکار مبارزاتی خود اعلام دارند.

در اینجا نیز ضمن اشاره به تجربیات تاریخی متذکر شده ایم که در مقطع قیام

ما کارگران ضد سرمایه داری همیشه بر این تاکید داشته ایم که تجمع اعتراضی در مقابل مجلس و نهادهای حکومتی، هیچ سرمایه دار خصوصی و دولتی را مجبور به پرداخت هیچ مقدار از خواسته های طبقه ما نکرده و نخواهد کرد. ما همواره اعلام کرده ایم:

۱- در هر کجا که چرخ کار و تولید می چرخد، اعتصاب را راهکار مبارزات خویش کنیم و سرچشمه تولید سرمایه را خشک سازیم. اما بلافاصله گفته ایم که با توجه به وجود بحران اقتصادی و وضعیت بحرانی حکومت اسلامی سرمایه، راهکار اعتصاب به شرطی موفقیت آمیز خواهد بود که بر شقه شقه و پراکنده بودن صفوف خود غلبه کنیم. معلم، کارمند، پرستار، بازنشسته، خانه دار، همگی خود را اعضای یک طبقه بدانیم، این اعتصابات را از حصار و محدوده

۵۷ و بعد از آن، کم نبودند مواردی که خود کارگران، مدیریت را به دست گرفتند و به جای مدیران فراری، چرخ تولید را به حرکت درآوردند. اما کار آنها مانعی در استثمار شدن آنها توسط سرمایه پدید نیاورد. شوراهای کارگران در قیام ۵۷ ماهیت ضدسرمایه داری نداشتند. کنار گذاشتن کارفرما از اداره مؤسسه و اینکه کارگران خودشان وظایف کارفرمایان و صاحبان سرمایه را به دوش کشند، استثمار خویش توسط سرمایه را تداوم بخشند و در عین حال مزد محقر خویش را هم برداشت کنند، اقدامی فاقد هر میزان بار سرمایه ستیزی است. اینکه چند کارگر به جای مدیرعامل شرکت، وظیفه رتق و فتق کارهای مربوط به چرخه تولید سرمایه داری و استثمار کارگران را به دست گیرند و اضافه ارزش انبوه حاصل خود را تحویل مالکان دولتی یا خصوصی سرمایه دهند، هیچ سنخیتی با تصرف کارخانه توسط شوراهای کارگری به عنوان یک لحظه و یک جزء از پیکار سراسری و شورایی طبقه کارگر علیه سرمایه داری ندارد.

تصرف کارخانه از طریق قدرت شورایی و ضد سرمایه داری توده کارگر، یعنی کارخانه را به

صورت شورایی به دست گیریم، تولید و توزیع را شورایی پیش بریم. هدف تولید و توزیع را تأمین معیشت و تضمین رفاه اجتماعی خود گردانیم، تولید و توزیع را در راستای تأمین نیاز آحاد افراد جامعه سازماندهی کنیم.

۳- مثل روز روشن است که سرمایه داران و حکومت اسلامی سرمایه هر اعتصاب ما و هر تلاش ما برای تصرف مراکز کار را سرکوب خواهند کرد. در نتیجه برای هر میزان پیروزی، نیازمند سازمانیابی شورایی ضد سرمایه داری سراسری تعداد هر چه بیشتری از آحاد طبقه خود هستیم. برای تضمین پیروزی، نیازمند تدارک همبستگی و حمایت وسیع همزنجیران طبقه خود می باشیم.

۴- کلیدی ترین نکته مورد تاکید ما این است که باید به مبارزه واقعی علیه طبقه سرمایه دار، علیه قدرت سیاسی سرمایه و علیه کل موجودیت سرمایه داری روی آورد. هر اعتصاب، تظاهرات، راهبندان، راهپیمائی، تصرف محل کار، شورش و هر شکل دیگر مبارزه به عنوان جزئی از جنبش سراسری طبقه ما برای نابودی سرمایه داری و محو کار مزدی به حساب آید و این نقش را ایفا نماید.

# تشکیل نرخ عمومی سود (نرخ متوسط سود)

## تبدیل ارزش کالاها به قیمت های تولید



برگرفته از «بازخوانی کاپیتال مارکس» / --

پنج محیط تولیدی مختلف را با سرمایه یکسان، نرخ اضافه ارزش واحد، ترکیب آلی متفاوت به شرح زیر در نظر گیریم.

ردیف	سرمایه ها	نرخ اضافه ارزش	میزان اضافه ارزش	ارزش محصول	نرخ سود
۱	$80c+20v$	100%	20	120	20%
۲	$70c+30v$	100%	30	130	30%
۳	$60c+40v$	100%	40	140	40%
۴	$85c+15v$	100%	15	115	15%
۵	$95c+5v$	100%	5	105	5%

مبلغ کل سرمایه پیش ریز در این ۵ حوزه ۵۰۰، اضافه ارزش تولید شده ۱۱۰، ارزش کل کالاهای تولید شده در این حوزه ها برابر با ۶۱۰، ترکیب آلی ۵ سرمایه  $110v+390c$  یا به شکل ساده تر  $22v+78c$  است. برای محاسبه نرخ سود، کل اضافه ارزش ها را بر کل سرمایه تقسیم کنیم، نتیجه اش  $22\% = 110/500$  خواهد بود. این بدان معنی است که به هر ۱۰۰ واحد سرمایه ۲۲ واحد سود تعلق می گیرد. کل محصول سالانه را هم بر ۵ حوزه مجزای سرمایه گذاری ها تقسیم نمائیم. سهم هر حوزه ۱۲۲ است.

فرض محاسبه بالا این است که در هر کدام حوزه ها، کل سرمایه ثابت اعم از استوار یا گردشی در تولید محصول جدید به مصرف رسیده اند. فرضی که واهی نیست اما عملاً مگر در موارد استثنا اتفاق هم نمی افتد. واقعیت آنست که بخش ثابت سرمایه اگر چه کلا وارد پروسه تولید می شود اما بخش مهمی از آن

به محصول جدید منتقل نمی شود. همه سرمایه گردان مرکب از مواد خام و کمکی در هر دور واگرد به تمام و کمال وارد کالبد کالاهای جدید می شوند اما از جزء استوار فقط معادل سهم استهلاک است که جزء پیکره محصول جدید می گردد. با توجه به این مهم می توان جدول بالا را به شکل زیر تغییر داد.

سرمایه ها	نرخ اضافه ارزش	اضافه ارزش	نرخ سود	C مصرف شده	ارزش کالا	قیمت تمام شده
80c+20v	100%	20	20%	50	90	70
70c+30v	100%	30	30%	51	111	81
60c+40v	100%	40	40%	51	131	91
85c+15v	100%	15	15%	40	70	55
95c+5v	100%	5	5%	10	20	15
390c+110v جمع	-	110	-	-	-	-
78c+22v میانگین	-	22	22%	-	-	-

اگر کل اضافه ارزش ها را بر کل سرمایه ۵ حوزه تقسیم کنیم به رقم ۲۲٪ می رسیم که نرخ سود است و بالاتر در باره اش صحبت کردیم. این نرخ سود با نرخ سودهای مبدأ در حوزه های پنج گانه مجزا فرق دارد. در حوزه های مختلف با نرخ سودهای متفاوت مواجهیم اما این نرخ سودهای مختلف به یک نرخ سود عمومی یکسان تبدیل شده است.

سرمایه ها	اضافه ارزش	ارزش کالاها	قیمت تمام شده کالاها	قیمت کالاها	نرخ سود	تفاوت قیمت و ارزش
80c+20v	20	90	70	92	22%	+2
70c+30v	30	111	81	103	22%	-8
60c+40v	40	131	91	113	22%	-18
85c+15v	15	70	55	77	22%	+7
95c+5v	5	20	15	37	22%	+17

قیمت تمام شده کالاها حاصل جمع سرمایه ثابت و متغیری است که در تهیه آنها مصرف گردیده است. ارزش هر کالا نیز مرکب از همین قیمت تمام شده بعلاوه اضافه ارزش یا کار اضافی معینی است که کارگر انجام داده و در قبال آن هیچ ریالی دریافت نکرده است. اما نکته اساسی و حائز اهمیت در جدول بالا آن است که حوزه های پنج گانه و متمایز پیش ریز سرمایه هر کدام عین اضافه ارزش تولید شده در قلمرو خود یا کار اضافی پرداخت نشده کارگران مورد استثمار خود را کسب نکرده اند. سرمایه های اول، چهارم و پنجم به ترتیب ۲ واحد، ۷ واحد و ۱۷ واحد، جمعا ۲۶ واحد بیش از حصه واقعی خود اضافه ارزش به چنگ آورده اند، در حالی که سرمایه دوم ۸ واحد و سوم ۱۸ واحد ارزش اضافی باز هم جمعا ۲۶ واحد را از دست داده اند. اضافه ارزش ها جا به جا شده و میان ۵ حوزه مذکور به صورت برابر تقسیم گردیده است. کالاهائی بالاتر از ارزش خود فروش رفته اند، کالاهائی هم بالعکس ارزانتر از ارزش خود فروخته شده اند. هر صد واحد سرمایه مستقل از ترکیب آلی خود، مستقل از میزان سرمایه ثابت و متغیر مصرف شده در تولید کالاهایش ۲۲ واحد ارزش اضافی به چنگ آورده است. به بیان دیگر هر ۱۰۰ واحد سرمایه ۲۲ واحد از ۱۱۰ واحد اضافه ارزش کل

را سهم خود کرده است. اگر این ۲۲ را بر سرمایه هر حوزه یا ۱۱۰ واحد را بر ۵۰۰ واحد سرمایه تقسیم کنیم، به نرخ سود می رسیم که معادل ۲۲٪ است.

### قیمت تولیدی چیست؟

کالاها مگر در موارد نادر به ارزش واقعی خود فروخته نمی شوند. آنها مستقل از اینکه متعلق به کدام قلمرو با کدام ترکیب آلی سرمایه باشند با قیمتی همگون به فروش می رسند. این قیمت حاصل جمع بهای تمام شده کالا بعلاوه نرخ سود متوسط است و قیمت تولیدی نام دارد. سرمایه های پیش ریز شده در حوزه های گوناگون، ترکیب ارگانیک های مختلف دارند. جزء متغیر آنها یا شمار کارگرانی که استثمار می کنند متفاوت است. این سرمایه های متغیر یا نیروی کار زنده مختلف، حجم کار اضافی متفاوتی تحویل سرمایه دار می دهند. اما این کارهای اضافی نهایتا به صورت مساوی میان صاحبان سرمایه ۵ حوزه تقسیم می گردد. چگونه چنین می شود؟ و این جا به جایی، در کجا، زیر فشار کدام عامل یا عوامل انجام می پذیرد؟ پرسشی است که باید به آن پاسخ داد.

کالاهائی که تولید می شوند به صورت کالا = سرمایه وارد بازار می شوند. سرمایه داران تولید کننده برای فروش آنها باید با هم به رقابت



پردازند. در فرایند رقابت برای فروش کالاها است که قیمت تولیدی ظهور می کند. قیمتی که جایگزین ارزش کالاهای مختلف می گردد و همه تولیدات بر پایه آن به فروش می رسند، در درون همین فرایند رقابت است که نرخ سودهای متمایز حوزه های مختلف نیز جای خود را به نرخ سودی واحد می سپارند. نرخ سود متوسط که بالاتر در باره اش گفتگو کردیم، قیمت تولیدی حاصل جمع نرخ سود عمومی و هزینه تولید کالاها است. سرمایه داران محیط های مختلف تولید با فروش کالاهای خویش ارزش - سرمایه هائی را که در تولید کالاهای مزبور صرف نموده اند بازیافت می کنند، اما عین اضافه ارزش یا سودی را که توسط کارگران مورد استثمارشان در همان محیط های معین، تولید شده است، به دست نمی آورند. آنان سهمی از کل اضافه ارزش ها

زمان معین، در کل جامعه، توسط کل سرمایه ها، در کل قلمروها، تولید شده است و به نسبت سرمایه ای که دارند نصیبشان گردیده است. - به نسبت کل سرمایه ای که پیش ریز کرده اند، کل سرمایه ثابت و متغیر، کل اجزاء استوار و گردش سرمایه و نه فقط جزئی از سرمایه که در تولید کالاهای جدید به مصرف رسیده است، آری به نسبت کل این سرمایه سود دریافت می کنند - سودی که بر پایه تقسیم برابر کل سودها میان کل سرمایه ها به هر واحد یا صد واحد سرمایه تعلق گرفته است. سرمایه داران در اینجا و در رابطه با سهم سود، به اعضای یک شرکت سهامی عام می مانند که سود سالانه شرکت به میزان سهام و حجم سرمایه، میان آنان تقسیم می شود.

ادامه دارد .....  
یا سودی را به چنگ می آرند که در مدت

## نقش "رهبری" در مبارزات ما

ابراهیم زنون / آذر ۱۴۰۰

در میان فریاد اعتراض توده های محروم و فرودست جامعه علیه شرایط طاقت فرسایی که جان را به لب رسانده است این صدا هم به گوش می خورد که نقطه ضعف مبارزات ما نبود رهبری است!! کارگران منفعل و محافظه کار بسیاری را نیز مشاهده می کنیم که منتظر ظهور رهبران نشسته اند. چرا اینگونه است؟ علت این منجی طلبی و دخیل بستن به رهبران چیست؟

برای پاسخ به این سؤال لازم است در بنیادی ترین فعالیت حیاتی خود، در چگونگی امرار معاش خود تعمق کنیم. ما کارگران برای زنده ماندن، نیروی کار خود را به طبقه سرمایه دار می فروشیم. در پروسه کار، اینکه چه چیزی تولید شود یا نشود، به چه مقدار، در چند ساعت و با چه شدتی، اینکه کارگر، کار بیاید یا بیکار بماند، چه مقدار دستمزد بگیرد، اخراج و بیکارسازی، سن بازنشستگی، بهای مسکن، خوراک، پوشاک، آموزش و درمان، همگی در حیطه اختیار طبقه سرمایه دار است. فروشندگان نیروی کار در همه این امور هیچکاره اند. کارگر، ماشین تولید سود است و مانند ابزار

کار، فاقد هر گونه اراده است. سرمایه، حقوق، فرهنگ، قانون، اخلاق، مذهب و دولت را جزئی از وجود خود می سازد و در همه این عرصه ها هیچ بودن کارگر را بازتولید و تثبیت می نماید. کارگر سروری سرمایه و ذلت خود را از بدو تولد و در گوشه گوشه زندگی خود مشاهده می کند. کارگر برای امرار معاش و زنده ماندنش محتاج سرمایه است، با التماس و تمنا به کارفرما رجوع می کند تا مگر اندکی به دستمزد خود بیافزاید، اگر از زندگی خود شاکمی و به آن معترض است به قانون و دولت برای حل مشکلات پناه می برد. هیچکاره بودن کارگر در تعیین سرنوشت کار و تولید، در تعیین نظم و نظامات اجتماع، علت انفعال و دخیل بستن به شاهان، دولتها، شخصیتها، مراجع، احزاب و اپوزیسیونها است.

به اپوزیسیون جمهوری اسلامی که برای تصرف حکومت، دندان تیز کرده اند نگاه کنیم. همه اینان فرمانبری و تبعیت را امر بدیهی و سرشتی کارگران می دانند و جز این نقش دیگری برای آنها متصور نیستند. سلطنت طلبان به صراحت

می گویند در حکومت آینده، خودمان دولت تعیین می کنیم!! وظیفه کارگران هم، کار و تولید سود، فداکاری و اطاعت از مدیران و مقامات است!! رونوشت برابر این اصل را احزاب «چپ» در دست دارند. «طبقه کارگر» را ناآگاه و محتاج رهبری می دانند. تاوان این ناآگاهی کارگران هم، سپردن اختیار مبارزه امروز و سرنوشت فردای زندگی خود به دست این احزاب است!! سرنوشت فاجعه بار کارگران در انقلابات قرن بیستم، از جمله انقلاب ۵۷، نقش واقعی رهبری را بخوبی نشان می دهد. این رهبران، از چپ و راست، دیندار و لائیک، سلطنت طلب و جمهوریخواه قرار است چه کار کنند که خود ما از پس آن بر نمی آئیم؟! شمار طبقه ما در ایران میلیونها نفر است. فروشندگان نیروی کار زن و مرد در صنعت و کشاورزی، آموزش، درمان و سلامت، آب و برق، مخابرات، بندر، معدن، حمل و نقل، راه و جاده، ادارات، حیطة هنر، خبرنگاری و نویسندگی، طبقه ای میلیونی با انواع مهارت و تخصص و استعداد که خالق تمام ارزشهاست. مبارزات ما بدون وجود این رهبران بالای سر در همه جا جریان دارد. این درست است که به هنگام مبارزه، پیشروترین کارگران موثرترین نقش را دارند اما ما همه در کنار هم کار می کنیم و همگی توسط سرمایه استثمار می شویم. همگی دست در دست هم با یک استخوانبندی شورائی پا به میدان مبارزه می گذاریم. بدون فرمانده و رهبر، نظر می دهیم و تصمیم گیری می کنیم و

مبارزه را پیش می بریم. نقطه ضعف ما فقدان رهبری نیست. آینده موفقیت آمیز مبارزات ما در گرو اتخاذ این راهکارهاست :

۱- به صنف گرایی و شقه شقه بودن صفوف خود پایان دهیم. راننده، معلم، کارگر صنعتی و کشاورزی، کارمند، بیکار، بازنشسته، پرستار، کارگر ساختمانی، دستفروش و خانه دار، همگی برده کار مزدی و اعضای طبقه کارگریم.

۲- بساط دخیل بستن به مجلس و نهادهای حکومتی و توسل به قوانین را جمع کنیم.

۳- از اعتصابات محصور و محدود در این یا آن محل کار فراتر رویم. از اعتراضات و اعتصابات یکدیگر حمایت کنیم. معنای واقعی حمایت، تعطیل کردن چرخه کار و تولید و مختل ساختن نظم سرمایه در همه عرصه های ممکن است.

۴- منشأ تیره روزی ما در کارگر بودن ما است. رهایی ما در گرو این است که مبارزات خود را به یک جنبش ضد بردگی مزدی ارتقاء دهیم. مطالبه بیشترین دستمزد، عالی ترین بهداشت و درمان، مدرن ترین مدارس و آموزش و پرورش، مناسب ترین نگهداری از سالمندان و معلولان، کوتاه ترین ساعات کار، مکفی ترین بیمه بازنشستگی و بیکاری، وسیع ترین آزادیهای سیاسی، پرداخت دستمزد برای خانه داری، رفع تبعیضات جنسی، قومی و عقیدتی، کار کودکان و تخریب و آلودگی محیط زیست را با افق نابودی سرمایه داری پیش بریم.

ما عده ای کارگریم، تا چشم باز کرده ایم شاهد استثمار وحشیانه پدران و مادران، همسایگان و اهالی محله کارگرنشین خود و همه کارگران توسط سرمایه داران و سرمایه بوده ایم. با گوشت و پوست و رگ و خون خود لمس نموده ایم که کلیه سرمایه ها و ثروتها توسط طبقه ما تولید می شود و دنیای فقر و فلاکت و سیاه روزیها نیز بیش از پیش بر سر طبقه ما آوار می گردد. هر چه بیشتر تولید کرده ایم عمیق تر از وسائل کار و تولید و محصول کار خود جدا شده ایم. هر چه بر قدرت سرمایه افزوده ایم خود فرسوده تر و حقیرتر شده ایم. با چشم باز و با همه وجود مشاهده کرده ایم که دولت، ارتش، قانون، حقوق، اخلاق، فرهنگ، پلیس، دین، مسجد، منبر و همه چیز جامعه موجود متعلق به طبقه سرمایه دار، مدافع سرمایه داری، علیه ما و در خدمت ماندگاری استثمار وحشیانه ما توسط سرمایه است. همه شعور و شناخت و ذهن و فکر و عقل و احساس و ادراک ما با این واقعیتها آمیخته است. ما به حکم کارگر بودن خویش به صورت خودجوش، ضد سرمایه داری و علیه بردگی مزدی هستیم. فلسفه و دانش و تخصص و فضل ویژه ای هم لازم نیست تا ضدیت با سرمایه را به ما بیاموزد. ریشه و بنیاد سرمایه ستیزی خودجوش ما در اینجا، در عمق این واقعیتها است. ما گروه، حزب، سازمان، کمیته و هیچ دار و دسته ای نیستیم. اینگونه تشکلهای را که از بالای سر کارگران ساخته می شوند ابزار تبدیل جنبش طبقه ما برای چانه زنی با سرمایه داران و کسب قدرت دولتی می دانیم. این نوع تشکل سازیها حتی اگر با جنجالهای ضد سرمایه و چپنمایانه همراه باشد، راه و رسمی غیر کارگری است. سازمانیابی طبیعی طبقه ما شورا است. در متن مبارزه شورائی باید با هم به گفتگو بنشینیم، تجارب و آگاهی خود را به هم منتقل کنیم و برای ارتقای رویکرد ضد سرمایه داری خودجوش طبقه خود بکوشیم. ما این نشریه را منتشر نمی کنیم تا مبارزات کارگران را رهبری کنیم! نه فقط چنین ادعایی نداریم که هرگونه مرجع و مقلد و هرمیزان تبعیت جنبش کارگری یا توده کارگر از اراده رهبران را فاجعه ای برای این جنبش و انحراف از ریل واقعی پیکار ضد سرمایه داری می دانیم. می خواهیم که این نشریه تریبونی برای اثرگذاری سرمایه ستیز در مبارزه روز ما کارگران باشد. اثرگذاری تعداد هر چه بیشتری از کارگران در تعیین راه و رسم و پیچ و خم مبارزه طبقاتی برای رفع و دفع تعرضات همیشگی سرمایه داران و رهایی نهایی از شر وجود سرمایه داری، هدف انتشار «علیه سرمایه» است.